

جنگ اقتصادی از نوع روسی: سلاح انرژی و استراتژی امنیت ملی روسیه*

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (سال پنجم)
شماره ۱۸ / زمستان ۱۳۹۸ / ص ۴۱-۶۰

نویسندگان: استفن پلنک^۱، یونکیو کیم^۲، مترجمان: صارم شیراوند^۳، ذوالفقار دیده ورا^۴

^۱ دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک دانشگاه تهران

^۲ کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای

نویسنده مسئول:

استفن پلنک

چکیده

تاکنون مطالعاتی در مورد عامل انرژی در سیاست خارجی روسیه در طول بحران ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹ اوکراین صورت گرفته است. مسائل انرژی در سطح جهانی و منطقه‌ای تغییر کرده است. ما این مسئله را بررسی می‌کنیم که چگونه روسیه از انرژی به عنوان ابزار سیاست خارجی در بستر انقلاب شیل، بحران جدید اوکراین، و قیمت پایین نفت در اروپا، اوراسیا، اروپای مرکزی و شرقی، خاورمیانه و آسیا استفاده کرده است. هدف این مقاله، بررسی این مسئله است که چگونه روسیه از انرژی به عنوان ابزار سیاست خارجی در بستر انقلاب شیل، بحران اوکراین و قیمت پایین نفت در سال‌های ۲۰۱۵ - ۲۰۱۰ استفاده کرده است. سلاح انرژی روسیه شبیه به چاقوی سوئیسی است که برای مقاصد گوناگون در داخل، در کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، در اروپای شرقی و مرکزی و در آسیا - پاسیفیک به کار می‌رود. این جنگ برای غربی که باید در جنگ‌های اقتصادی معاصر مخصوص خود درگیر شود درس‌هایی دارد. درک این نکته مهم است که گرچه سیاست انرژی به عنوان شکلی از جنگ اقتصادی می‌تواند مستقلاً به کار رود و معمولاً به کار می‌رود، مسکو اغلب از جنگ اقتصادی به همراه نیروی نظامی، فروش تسلیحات یا برای دستیابی به برخی اهداف استراتژیک استفاده می‌کند.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی روسیه، مسئله‌ی انرژی، جنگ اقتصادی، اهداف استراتژیک

* Stephen Blank and Younkyoo Kim (Spring/Summer 2016) "Economic Warfare a la Russe: The Energy Weapon and Russian National Security Strategy", The Journal of East Asian Affairs, Vol. 30, Issue 1, p 1-39.

مقدمه

اخيراً ژنرال فیلیپ بریدلاو، فرماندهی ارشد ناتو در اروپا، به اجبار نظامی و اقتصادی روسیه علیه همسایگانش اشاره کرد.^۱ بریدلاو به درستی اجبار اقتصادی را برگزید زیرا به صورت روزانه شبکه‌ی انرژی روسیه، ثابت‌ترین عامل عملیاتی اجبار یا اهرم فشار آن در اوراسیاست. سیاست‌های انرژی پیوسته به عنوان سلاحی عمده در استراتژی امنیت ملی روسیه عمل می‌کنند و اغلب همراه با سایر عناصر جنگ سیاسی روسیه برای تحکیم اقتدار و قدرت داخلی رژیم پوتین، کسب حوزه‌ی نفوذ نئوامپریالیستی در حکومت‌های مناطق مرزی شوروی سابق و اروپای شرقی، و خدشه به همگرایی و انسجام اروپا مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند.

به همان میزان، درک این نکته نیز مهم است که این شکل از جنگ تاکنون و همزمان با عملیات‌های نظامی مثل مورد اوکراین ادامه دارد.^۲ به محض حمله به اوکراین، مسکو سکوه‌های انرژی اوکراین در دریای سیاه و کریمه را تصرف کرد و به تصرف تأسیسات نفتی اوکراین در آنجا در سراسر سال ۲۰۱۵ برای حفاری نفت و گاز در منطقه‌ی اقتصادی دریایی اوکراین ادامه داده است.^۳ مسکو درگیر جنگ پیوسته‌ی انرژی برای جدا کردن اوکراین از منابع انرژی اروپا یا وابستگی کامل آن به نفت و گاز روسیه نیز هست. خط لوله‌ی نورد استریم دو صرفاً جدیدترین مثال چنین جنگ اقتصادی است. این تصرف‌ها نه تنها اوکراین را از بخش زیادی از درآمدهای بالقوه و انرژی مورد نیاز محروم کرد، روسیه می‌تواند از آن تأسیسات به عنوان دستاویزی برای استقرار ناوهای جنگی در دریای سیاه و سپس تهدید تأسیسات و/یا سرزمین رومانی و بلغارستان استفاده کند. به علاوه، روسیه بدین ترتیب کنترل زیرساخت‌های اوکراین، شرکت نفت و گاز اوکراین (گاز دریای سیاه) به ارزش تخمینی ۱/۲ میلیارد دلار، بیش از ۲ میلیارد متر مکعب ذخیره‌ی گاز طبیعی در کریمه را به دست گرفته و منطقه‌ی دریایی عظیمی به ارزش تریلیون‌ها دلار را کسب کرده است.^۴ با تصرف دونباس، مسکو بر بخش اعظم معادن و مناطق زغال‌خیز، منطقه‌ی وسیع تهنشینی گاز شیل "یوزوکا"،^{*} و چندین سایت ذخیره‌ی گاز زیرزمینی و خطوط لوله‌ی ترانزیت تسلط یافت.

بدین ترتیب، کیف مجبور به وابستگی بیش از پیش به منابع انرژی خارجی شده است.^۵ روسیه با ارائه‌ی گاز به دونباس و تلاش برای واداشتن اوکراین به پرداخت هزینه‌ی آن گاز ارسال شده در عوض تعهدات قراردادی پیشین اوکراین، اوکراین را به پرداخت هزینه‌ی گاز روسیه حتی در زمان حمله به اوکراین وادار کرد. این تکرار الگوی مولداوی است که تیراسپل، شهر مشتری و دنبالچه‌ی مسکو در ترانسنیستریا، پرداخت هزینه‌ی گاز روسیه را نپذیرفت و به مسکو اجازه داد که صورت‌حساب‌ها را به کیشینف، پایتخت مولداوی، بفرستد و در بدهی چهار میلیاردی (تقریباً نیمی از تولید ناخالص داخلی مولداوی) بگنجانند و آن را متعهد به پرداخت بدهی سرزمین تحت اشغال خود کند. اگر این سناریو خود را در اوکراین تکرار کند، مثال اعلای چگونگی امکان استفاده از زنجیره‌های انرژی برای اعمال فشار اقتصادی و نفوذ سرزمینی خواهد بود.^۶ اما، این اقدامات تنها بخشی از مجموع جنگ اقتصادی مداوم مسکو علیه اوکراین هستند و صرفاً نماینده‌ی اوج عملیات جنگ اقتصادی تاکنون هستند که شامل

1. Clifton Parker, "NATO Commander calls for recalibration in Europe", [www.http://news.stanford.edu/thedish/2015/11/09/nato-commander-calls-for-recalibration-in-europe/](http://news.stanford.edu/thedish/2015/11/09/nato-commander-calls-for-recalibration-in-europe/) November 9, 2015.

2. Michael Ruehle and Julijus Grubliauskas, "Energy as a tool of hybrid warfare", in Guillaume Lasconjarias and Jeffrey A. Larsen, eds., NATO's response to hybrid threats, Foreword, General Philip M. Breedlove, Supreme Allied Commander, Europe Brussels: NATO Defense College, Forum Paper, 24, 2015, pp. 189-200.

3. "Ukraine to sue Russia for seizing Crimean oil, gas assets: PM," Platt's, May 14, 2014, <http://www.platts.com/latest-news/natural-gas/ukraine-to-sue-russia-for-seizing-crimean-oil-26788163>; "Russia preparing to drill for oil in Ukraine's marine economic zone," Ukraine Today, December 16, 2015, <http://uatoday.tv/politics/russia-preparing-to-drill-for-oil-in-ukraine-s-marine-economic-zone-555179.html>

4. Ruehle and Grubliauskas, "Energy as a tool of hybrid warfare", p. 191.

* Yuzovka

5. Ibid, p. 192.

6. Ibid., pp. 195-196.

تعرفه‌های بالا، محاصره، یا تأخیر واردات برای منع اوکراین از امضای توافق همکاری (موافقتنامه‌ی تجارت آزاد عمیق و جامع) با اتحادیه‌ی اروپا در سال ۲۰۱۳ و تاکتیک‌های مشابه علیه مولداوی و ارمنستان با همین هدف می‌شد.^۷

درک این نکته مهم است که گرچه سیاست انرژی به عنوان شکلی از جنگ اقتصادی مستقلاً می‌تواند به کار رود و معمولاً به کار می‌رود، مسکو اغلب از جنگ اقتصادی همراه با نیروی نظامی، فروش تسلیحات، یا برای واداشتن به پذیرش سیاست‌هایی مطلوب مهاجران روسیه در دولت‌های بالتیک استفاده می‌کند. به علاوه، مسکو همچنان از اجبار اقتصادی به عنوان ابزار جنگ علیه همسایگانش استفاده می‌کند؛ برای مثال، تحمیل تعرفه‌ها و حذف اوکراین از اتحادیه‌ی گمرکی اوراسیا در دسامبر ۲۰۱۵ به این دلیل که اوکراین نپذیرفت از توافق همکاری با اتحادیه‌ی اروپا دست بکشد، و تلاش‌های مداوم روسیه برای کسب کنترل بر جریان گاز به داخل اوکراین و توزیع گاز روسیه درون اوکراین.^۸

جنگ اقتصادی به سبک روسی

مسکو عادتاً چیزی را اعمال می‌کند که کارشناسان مدتها پیش جنگ اقتصادی نامیده‌اند. اما در مورد مسکو، ابزارهای جنگ اقتصادی از جمله انرژی، تجارت، فرصت‌ها و میان‌برهای سرمایه‌گذاری، وجوه ارسالی، و تلاش برای ارتقاء روبل روسیه در حین کاهش نقش دلار، همزمان با استراتژی کلی‌تر آنچه باید جنگ سیاسی نامید به کار می‌روند. ابزارهای استراتژی مسکو، نیروی نظامی، نفوذ رسانه‌ای، نفوذ اطلاعاتی و خرابکاری در خارج، جنگ اطلاعاتی بی‌وقفه برای سازماندهی فرآیند بادوام دستکاری سیاسی - ایدئولوژیک توده‌ای، جرم سازمان‌یافته، و استفاده از اهرم قومی - اغلب اما قطعاً نه منحصرأ اجتماعات دیاسپورای روسی در خارج - هستند.^۹ آنگونه که اشاره شد، مسکو همچنان این سلاح را علیه اوکراین و سایر جمهوری‌های شوروی سابق و، همانگونه که در زیر نشان داده شده است، علیه اروپا و نیز اوکراین در مورد خط لوله‌ی نورد استریم دو به کار می‌برد.

بنابراین، در بستر کلی‌تر، استفاده‌ی روسیه از سلاح انرژی تنها یکی از تجلیات توسل گسترده‌تر و فزاینده‌ی قدرت‌های بزرگ به برنامه‌های اقدامی است که می‌توانند صرفاً به عنوان جنگ اقتصادی توصیف شوند. جنگ اقتصادی، بویژه توسط قدرت‌های بزرگ علیه حکومت‌های آسیب‌پذیرتر، ویژگی اساسی منازعه‌ی بین‌المللی معاصر است.^{۱۰} ایالات متحده به حملات اقتصادی گسترده به کره‌ی شمالی و سازمان‌های تروریستی به عنوان بخشی از این روند دست زده است.^{۱۱} اما در حالی که دغدغه‌ی ما در اینجا روسیه است، می‌توان استدلال کرد که اقدامات ایالات متحده به حد الگویی رسیده است که سایر قدرت‌های بزرگ نیز می‌توانند استفاده کنند. در حالی که دغدغه‌ی ابتدایی ما جدا کردن تروریست‌ها بوده است، همانگونه که خواهیم دید، روسیه این سلاح‌ها و شکل جنگ را به سمت متفاوتی روانه کرده است. همانگونه که دیده و خواهیم دید، جنگ اقتصادی اکنون ابزار اصلی در کل زرادخانه‌ی روسیه (و سایر دولت‌های متخاصم) است.^{۱۲}

این جنگی با استفاده از ابزارهای مالی، فشار، و نیروهای بازار برای تأثیر بر بخش بانکی، منافع بخش خصوصی، و شرکای خارجی برای جدا کردن کنشگران نافرمان از نظام‌های مالی و تجاری بین‌المللی و حذف منابع مالی آنهاست.^{۱۳}

** Association Agreement (Deep and Comprehensive Free Trade Agreement)

7. Ariel Cohen, "Eastern Europe's pivotal moment: Association Agreement and Deep and Comprehensive Free Trade Agreement (DCFTA) for the European Union and the Eastern Partnership", Testimony before the Europe and Eurasia Subcommittee, Committee on Foreign Relations, United States Senate, November 14, 2013, pp.2-5.

8. Ruehle and Grubliauskas, pp. 189-200.

9. Stephen Blank, "The flight of the Red Phoenix: The historical bases of Russian non-linear warfare", Paper presented to the Conference on Hybrid Warfare, Ft. Meade, Md. December 7, 2015.

10. Mark Leonard, Connectivity wars, European Council on Foreign Relations, December, 2015.

11. Juan C. Zarate, Treasury's war: The unleashing of a new era of financial warfare (New York: Public Affairs, 2013).

12. Ibid., p. 11.

13. Ibid.

برای مثال، روسیه در پی انجام عملیات‌های مشابه علیه ایالات متحده بوده است.

در تابستان ۲۰۰۸، در اوج بحران مالی، مقامات روسیه با یک طرح جالب توجه وارد گفتگو با همتایان چینی خود شدند. این کشورها می‌توانستند برای فروش سهام خود در غول‌های مسکن ایالات متحده، فانی مای و فردی مک، به هم بپیوندند. این شرکت‌های تحت حمایت حکومت‌ها، مالک یا ضامن بیش از ۵ درصد تریلیون در رهن مسکن و اوراق قرضه با پشتوانه‌ی رهنی، تقریباً ۵۰ درصد کل بازار رهن، هستند. این شرکت‌ها تقریباً ۱/۷ تریلیون را با بدهی اندوختند، که صدها میلیارد آن به تنهایی متعلق به حکومت چین بود. با توجه به اینکه ایالات متحده همچنان گیج بحران مالی بود، فروش هماهنگ سهام شرکت‌های تحت حمایت حکومت می‌توانست حکومت ایالات متحده را به استفاده از مجوزهای اضطراری و هزینه‌های هنگفت برای سر پا نگه داشتن فانی مای و فردی مک وادارد. چنین حرکتی احتمالاً بحران اقتصادی جهانی را وخیم‌تر خواهد کرد و باعث بحرانی حتی عمیق‌تر در اعتماد به نظام‌های مالی ایالات متحده و کاهش بالقوه‌ی ارزش دلار خواهد شد.¹⁴

این اقدام و اقداماتی که در زیر توصیف می‌شوند، نشانه‌های روشنی از استراتژی هماهنگ جنگ اقتصادی علیه منافع ایالات متحده و متحدانش هستند. در واقع، پوتین صراحتاً در سال ۲۰۰۷ به سرویس‌های اطلاعاتی خود گفت "باید قادر به ارزشیابی فوری و کافی تغییرات وضعیت اقتصادی بین‌المللی، فهم نتایج آن برای اقتصاد داخلی، و حفاظت فعالانه‌تر از منافع اقتصادی شرکت‌هایمان در خارج باشید".¹⁵ بدین ترتیب، آژانس‌های اطلاعاتی روسیه، که بسیاری از پرورده‌های آنها کاپیتان‌های کسب و کار روسیه هستند یا در آن رخنه کرده‌اند، حکم روشنی برای اقداماتی که قبلاً برای اجرای جنگ اقتصادی در خارج انجام داده‌اند یا انجام خواهند داد دریافت کردند. از آن زمان، همانگونه که در بالا نشان داده شد، مقامات روسی از چین دنباله‌روی کرده و در پی همکاری با چین در تهاجم به دلار به شیوه‌ای بوده‌اند که شامل حملات سایبری علیه نهادهای مالی نیز می‌شد.¹⁶

سلاح انرژی روسیه شبیه به چاقوی سوئیسی است که همزمان از چند جهت، در داخل، کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، و در اروپای شرقی و مرکزی می‌برد. در داخل، درآمد‌های انرژی، عناصر اساسی بودجه‌ی دولت هستند و بدین ترتیب قیمت راکد انرژی، که از سال ۲۰۰۹ رکورد زده است، به افت اقتصادی عمده و بحران بودجه‌ی حکومت کمک می‌کند. بر این اساس، شرکت‌های بزرگ انرژی نه تنها به عنوان منبع درآمد دولت بلکه به عنوان همتای معاصر تیولداران* قرون وسطی عمل می‌کنند.¹⁷ در حالی که این عنصر شرکت‌هایی مثل گازپروم، ویژگی‌های قرون وسطایی دائمی حکمرانی روسی را برجسته‌تر می‌کند؛ آنها بازتاب این قرون وسطاگرایی نیز هستند زیرا مجرای عمده‌ی رانت به نخبگانی هستند که در ازای خدمت به دولت، مجاز به این فساد هستند؛ بنابراین قیاس تیولداران نه تنها مربوط به کارکرد شرکت‌های انرژی برای دولت بلکه به نقش آنها به عنوان نیروی محرک روزآمدسازی معاصر پدیده‌ی دولت خدمت مسکویی** نیز مربوط است که در آن مالکیت تنها در ازای خدمت حفظ می‌شود و پرداخت هزینه‌ی آن خدمت از کنترل آن دارایی‌ها اقتباس می‌شود.¹⁸ بدین ترتیب، کسب و کارهای روسی فشار آورده‌اند تا به هزینه‌ی

14. Ibid., p. 383.

15. Ibid., p. 388 quoted from, "Spy agency told to help companies", St. Petersburg Times, October 23, 2007.

16. Zarate, Treasury's war, pp. 399-413.

* tax farmers

۱۷. در دوران قرون وسطی، تیولداران مقامات دولتی بودند که وظیفه‌ی آنها جمع‌آوری مالیات بود. اما به خاطر کمبود درآمد‌های دولتی و برای برانگیختن آنها برای خدمت، حق بخشی از آن درآمد‌های مالیاتی به عنوان درآمد خودشان یا به عنوان پاداش و انگیزه برای خدمت دولت اعطا می‌شد.

** Muscovite service state

18. Richard Hellie, "The structure of Russian imperial history," History and Theory, 44, 2005, pp. 88-112; Peter Baker and Susan Glasser, Kremlin rising: Vladimir Putin's Russia and the end of revolution (New York: Scribner's, 2005), p. 417; Steven Rosefielde, Russia in the 21st century: the prodigal superpower (Cambridge: Cambridge University Press, 2004); Marshall T. Poe, The Russian moment in world history (Princeton, NJ: Princeton University Press, 2003); Stefan Hedlund, Russian path dependence (London: Routledge, 2005); Emil Pain, "Will Russia transform into a nationalist empire", Russia in Global Affairs 3:2, April-June, 2005, pp. 71-80; Stephen Kotkin, "it's Gogol again", Paper Presented as part of the project The energy dimension in Russian global strategy (James A. Baker III Institute for Public Policy, Rice University, Houston, 2004). These are only a few of the authors

خودشان به اصطلاح صندوق‌های خیریه را برای حمایت از "خدمات ویژه" (آژانس‌های اطلاعاتی) سازماندهی کنند.¹⁹ به علاوه، تا پایان سال ۲۰۱۱، خود پوتین پذیرفت که از هر دو مقام شرکت‌های انرژی، یکی با سایر صنایع در ارتباط است که امکان فساد گسترده را فراهم می‌کند.²⁰

اما فراتر از این ملاحظات، سلطه‌ی انرژی در اقتصاد روسیه، روسیه را عمدتاً به اقتصادی تبدیل می‌کند که برای صادرات کالاها و مواد خام سازماندهی شده است. این، صرف نظر از تحلیل‌گران غربی، چندین تحلیل‌گر روسی را به تأکید بر همبستگی بین این نوع اقتصاد و دولت خدمات با تمایلات امپریالیستی سوق داده است. بدین ترتیب، آندری زاخاروف می‌نویسد "دولت‌بودگی امپریالیستی، چهره‌ی طبیعی رژیم مبتنی بر صادرات مواد خام است".²¹

به همین ترتیب، دارایی‌های انرژی روسیه برای ارتقاء قدرت، نفوذ و جایگاه جهانی آن حیاتی هستند. حکومت علناً نقش آن دارایی‌ها را به عنوان ابزار عمده‌ی سیاست خارجی روسیه می‌پذیرد.²² همانگونه که رومن کاپچینسکی نوشته است:

در ۴ فوریه [۲۰۰۹] اوکراینسکا پراودا گزارش کرد که ولادیمیر پوتین نخست‌وزیر روسیه اظهار داشت: "روسیه از منابع وسیع معدنی و انرژی برخوردار است که به عنوان مبنایی برای توسعه‌ی اقتصاد و به عنوان ابزاری برای اجرای سیاست داخلی و خارجی آن عمل می‌کنند. نقش کشور در بازارهای انرژی بین‌المللی از جهات بسیاری نفوذ ژئوپلیتیکی آن را تعیین می‌کند". این ترز جدید نبود و در سال ۲۰۰۳ در "استراتژی انرژی روسیه تا سال ۲۰۲۰" وارد شد که در آغاز آن اظهار شد که: "روسیه، منابع انرژی عظیمی دارد ... که مبنای توسعه‌ی اقتصادی و ابزار اجرای سیاست داخلی و خارجی ماست". دیدگاه‌های پوتین در دکترین امنیتی به شکلی غیرمستقیم اما بی‌پرده گنجانده شد. پاراگراف ۹ این دکترین می‌گوید: "تغییر از رویارویی بلوک‌ها به اصول دیپلماسی چندبُرداری و قابلیت منابع [طبیعی] روسیه، همراه با سیاست‌های عمل‌گرایانه‌ی استفاده‌ی از آنها، امکانات فدراسیون روسیه برای تقویت نفوذش در عرصه‌ی جهانی را افزایش داده است". به عبارت دیگر، منابع انرژی روسیه بار دیگر رسماً به عنوان ابزارهای سیاست خارجی روسیه، یا آنگونه که برخی معتقدند، اهرم اخاذی پذیرفته شدند. ظاهراً هیچ دلیل

who now see the vitality of the Tsarist metaphor as a means of explaining Putin's Russia; Richard Pipes, *Russia under the old regime* (New York: Scribner's 1975); Stephen Blank, *Rosoboroneksport; Its place in Russian defense and arms sales policy* (Carlisle Barracks, PA: Strategic Studies Institute, US Army War College, 2007); Harley Balzer, "Confronting the global economy after communism: Russia and China compared", Paper Presented to the Annual Convention of the International Studies Association, Honolulu, Hawaii, March 1-5, 2005; Vladimir Shlapentokh in collaboration with Joshua Woods, *Contemporary Russia as a feudal society: A new perspective on the Post-Soviet era* (New York: Palgrave Macmillan, 2007); Vladimir Shlapentokh, "Early feudalism-The best parallel for contemporary Russia", *Euro-Asia Studies*, XIViii: 2, 1996, pp. 391-411; Peter Stavrakis, *State-building in Post-Soviet Russia: The Chicago boys and the decline of administrative capacity*, Occasional Papers of the Kennan Institute for Advanced Russian Studies, No. 254, 1993; Peter Stavrakis, "The Russian state in the twenty-first century", Paper Presented to the VIII Annual Strategy Conference of the U.S. Army War College, Carlisle Barracks, Pa., April 22-24, 1997; Eugene Huskey "The state-legal administration and the politics of redundancy", *Post-Soviet Studies*, 11:2, 1995, pp. 115-43.

19. Roman Shleynov, "atribute of respect", Moscow, Novaya Gazeta, in Russian June 1, 2009, FBIS SOV, June 1, 2009.

20. Moscow, Interfax, in English, December 19, 2011, FBIS SOV, December 19, 2011.

21. Emil Pain, "The political regime in Russia in the 2000s: special features, inherited and acquired", *Russian Social Sciences Review*, LII:6, November-December, 2011, pp.64-65.

22. MinisterstvoEnergetikiRossiiskoiFederatsii, *EnergeticheskaiiaStrategiiaRossiina Period do 2030 Goda* [Russian Energy Strategy up to 2030], 2009, http://www.minenergo.gov.ru/activity/energostrategy/full.php?sphrase_id=268229; MinisterstvoEnergetikiRossiisk oiFederatsii,

EnergeticheskaiiaStrategiiaRossii Na Period do 2020 Goda, Moscow, 2003.

دیگری برای انکار این امر بدیهی وجود نداشت و نویسندگان دکترین امنیتی [۲۰۰۹] تصمیم گرفتند گزینه‌های روسیه را روی میز پهن کنند.²³

در ضمن، به علت وضعیت‌های متنوع اقتصاد انرژی که روسیه در سطح جهانی با آن مواجه است، اهداف سیاست انرژی مطابق ویژگی‌های خاص مناطق و کشورها فرق می‌کند. برای مثال، در خاور دور:

در نهایت، پیامدهای سیاسی سیاست انرژی روسیه در آسیای شمال شرقی عبارتند از تقویت امنیت انرژی ملی کشور در برابر کاهش وابستگی آن به واردات اروپا، گسترش نفوذ کشور از طریق تقویت همکاری انرژی با کشورهای آسیای شمال شرقی و توسعه اقتصادی سیبری شرقی و منطقه‌ی خاور دور از طریق تدارک منبع انرژی بدیل برای سیبری غربی.²⁴

روشن است که وضعیت سیاسی آسیا بسیار متفاوت از آن چیزی است که مسکو در اوراسیا (اتحاد شوروی سابق) و اروپا می‌بیند و سیاست‌هایش بر همین اساس متفاوت است چرا که هیچ تلاشی برای براندازی حکومت‌های چین، ژاپن یا جمهوری کره نمی‌کند.

اما، در اوراسیا شواهد فراوانی وجود دارد که مسکو از انرژی به عنوان ابزار سلطه در کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به طور کلی و اهرمی در اروپا، یا با کنترل خطوط لوله‌ی اوراسیا به روسیه و سپس اروپا یا با حداکثرسازی کنترلش بر عرضه‌ی گاز از روسیه (شامل آسیای مرکزی) به اروپا، استفاده کرده و می‌کند.²⁵ در واقع، این استراتژی، روسیه را وادار به پیگیری سیاستی علناً نئواستعماری در آسیای مرکزی و حتی پرداخت یارانه به تولید گاز آسیای مرکزی در طول دوران قیمت راکد گاز برای تضمین دسترسی انحصاری روسیه یا چین و نه اروپا به نفت و گاز آسیای مرکزی صرف نظر از هزینه نیز می‌کند.²⁶ این سیاست، اهرم دائمی بر صادرات گاز آسیای مرکزی که برای اقتصادهای ازبکستان، قزاقستان و ترکمنستان حیاتی هستند را تضمین می‌کند. گرچه این سیاست در رابطه با ترکمنستان شکست خورده است زیرا چین ضامن آن شده است، روشن است که عشق آباد تمایلی به تحریک مسکو با پذیرش ایده‌هایی مثل حمایت اتحادیه‌ی اروپا از پروژه‌های خط لوله‌ی گوناگون ترانس کاسپین ندارد. البته، این اهرم بر بخش انرژی سپس به اهرمی مشابه بر سیاست‌های داخلی و خارجی این دولت‌ها تبدیل می‌شود.

اما مهمترین تجلیات استراتژی انرژی روسیه در مناطق مرزی غربی از بالتیک تا مولداوی و در اروپا رخ می‌نماید که در آن، اهداف، همانگونه که در بالا اشاره شد، از کسب درآمد تا برقراری مواضع پایدار در بخش‌های (توزیع) بالادست و پایین‌دست* اقتصادهای انرژی این دولت‌ها فراتر می‌رود و از آن اهرم برای اهداف ارتقاء نفوذ اقتصادی و سیاسی پایدار، یا از طریق حمایت از براندازی یا از طریق فساد و لابی‌گری مستقیم در حکومت‌های آن دولت‌ها و تقسیم اروپا برای توقف فرآیند همگرایی اروپا در سایه‌ی اتحادیه‌ی اروپا استفاده می‌کند. در واقع، علیرغم تغییرات پویا در اروپا و اوراسیا، مسکو همچنان از سلاح انرژی خود دقیقاً به خاطر همین اهداف استفاده می‌کند.

23. Roman Kupchinsky, "Energy and Russia's national security strategy", The Progressive Realist, May 19, 2009, <http://www.progressiverealist.org/blogpost/energy-and-russias-national-security-strategy>.

24. Ji Won Yun, "International cooperation for the construction of South Korea - North Korea - Russia pipeline natural gas (PNG): Effectiveness and restrictions", Journal of East Asian Affairs, 39:1, Spring/Summer, 2015, pp. 80-81.

25. Bertilnygren, "Putin's use of natural gas to reintegrate the CIS region", Problems of Post-Communism, IV:4, July-August, 2008, pp. 4-17; Andrew Kramer, "Falling gas prices deny Russia a lever of power", New York Times, May 16, 2009, www.nytimes.com

26. Bertilnygren, The rebuilding of greater Russia: Putin's foreign policy towards the CIS countries (London: Routledge, 2008).

* upstream and downstream

انرژی، جرم سازمان یافته و نفوذ اطلاعاتی

نوعی پیوند الگومند بین انرژی، جرم سازمان یافته و نفوذ اطلاعاتی در حکومت‌ها، ویژگی فعالیت‌های روسیه در اروپای شرقی بوده است و یقیناً اگر مقامات گرجستان اجازه‌ی درگیری اساسی در اقتصاد انرژی گرجستان را به روسیه بدهند، در آنجا توسعه خواهد یافت.²⁷ مأموران تحقیق اسپانیایی دریافتند که مافیای روسی، که پیوند تنگاتنگی با حکومت دارد، "کنترل عجیبی" بر برخی بخش‌های استراتژیک اقتصاد جهانی نظیر آلومینیوم و گاز طبیعی اعمال می‌کند.²⁸ مطالعات پیشین، اهداف سیاسی و نتایج سیاست‌های انرژی روسیه در سراسر بلوک شوروی سابق و نه فقط اتحاد شوروی سابق را روشن می‌کند. این تلاش‌ها برای به فساد کشاندن نهادهای غربی نیز در جریان هستند. بدین ترتیب، دویچه‌بانک اکنون مشغول بررسی مجموع ۱۰ میلیارد دلار در تجارت‌های غیرقانونی از گردش‌هایش در روسیه است که به نظر می‌رسد هدف آن پول‌شویی باشد.²⁹

روسیه برای دفاع از قدرت نفتی خود می‌کوشد تا حد امکان شرکایش را در وضعیت وابستگی انرژی حفظ کند؛ وابستگی که به خواست روسیه قابل دستکاری باشد. عنصر کلیدی این استراتژی، کنترل خطوط لوله و سایر تأسیسات انرژی در کشورهای همسایه است. [به علاوه] نفت و گاز به روسیه امکان "تطمیع" افراد و شرکت‌های خارجی را می‌دهد. مهم‌تر اینکه، کرملین می‌تواند کل کشورها را مثل دوران پیمان ورشو مورد دخل و تصرف قرار دهد؛ متحدان وفادار، مقادیر زیادی انرژی یارانه‌ای، با هزینه‌ی بالای مسکو، پاداش می‌گیرند.³⁰

برای مثال، در سال ۲۰۰۴ رومن گِرتیچ، معاون رئیس کمیسیون که در مورد رسوایی معروف اورلن در لهستان تفحص می‌کرد، در گزارش خود نتیجه گرفت که:

کمیسیون شواهدی دارد که نوع خاصی از توطئه "در اسناد و سوابق وزارت خزانه‌داری، دفتر نخست‌وزیر، دفتر رئیس جمهور، و کسب و کارهای بزرگ" صورت گرفته است که ظاهراً فروش بخش انرژی لهستان را به سمت شرکت‌های روسیه چرخانده است.³¹

در لیتوانی، رئیس‌جمهور سابق، رولانداس پاکساس، به خاطر ارتباطاتش با چهره‌های اطلاعاتی و جرم سازمان یافته‌ی روسیه استیضاح شد. در آگوست ۲۰۰۹، سیماس پیشنهاد بستن هر گونه امکانی را داد که بانک بزرگ روسیه - لیتوانی بتواند کنترل گروه رسانه‌ای لیتووس‌ریتاس را به دست آورد.³² اما این ابداً سیاست روسی جدیدی نیست.

در سال ۲۰۰۷-۸ تاجر لیتوانیایی، ریمانداستونیس، رئیس دوجوتیکانا، واسطه‌ی گازپروم در لیتوانی، که پیوند نزدیکی با مقامات روسی و لیتوانیایی دارد و سرمایه‌گذاری‌های وسیعی در بخش‌های ترانزیت و انرژی لیتوانی انجام داده است، مورد تفحص پارلمان لیتوانی قرار گرفت. این گزارش‌های تفحصی مدعی هستند که او از پیوند اطلاعاتی و سیاسی خود با روسیه و لیتوانی برای پیشبرد منافع شخصی و منافع روسیه در

27. Magdalena Rubaj and Tomasz Pompowski, "What is the KGB interested in?" Warsaw, Fakt, in Polish, October 19, 2004, FBIS SOV, October 19, 2004; Jan Pinski and Krzysztof Trebski, "The oil mafia fights for power", Warsaw, Wprost, in Polish, October 24, 2004, FBIS SOV, October 24, 2004; Warsaw, Polish Radio 3 in Polish, October 15, 2004, FBIS SOV, October 15, 2004; Warsaw, PAP, in Polish, December 13, 2004, FBIS SOV, December 13, 2004, Open Source Center Analysis, "Lithuania: Businessman Stonyswiels power with Russian backing," FBIS SOV, October 1, 2007.

28. Maria Snegovaya, "The implications of Russia's mafia state", The American Interest, December 23, 2015., <http://www.the-american-interest.com>.

29. "Deutsche Bank Moscow laundering probe tallies \$10 Billion", The Moscow Times, December 22, 2015, <http://www.themoscowtimes.com>.

30. Ibid.

31. FBIS SOV, December 13, 2004.

32. Viktors Baublys, "Bank may lose Lieutvosrytas", Vilnius, Vilniaus Diena, in Lithuanian, August 8, 2009, FBIS SOV, August 8, 2009.

بخش انرژی لیتوانی استفاده کرده است. دوجوتیکانا به عنوان جبهه‌ای برای سرویس‌های اطلاعاتی روسیه که از قبل با گازپروم در هم تنیده‌اند شناخته شده بود. کاوشی ضداطلاعاتی در تلاش‌های یک شهروند خارجی برای عضوگیری افسران ارشد اطلاعاتی لیتوانی به این شرکت رسید، که مقامات حکومتی را نیز به کار می‌گماشت. مدیران اصلی دوجوتیکانا ظاهراً پرورده‌های کا گ ب نیز بودند. اتهامات مشابهی نیز در رابطه با نفوذ استونی و شرکت او در بخش ترانزیت لیتوانی و کمک‌های عظیم او به سیاستمداران و رسانه‌ها و نفوذ او بر انتصاب‌های سیاسی مطرح شدند.³³

بعداً روشن شد که شرکت با کمک سرویس‌های خاص روسی تأسیس شده است، اما از آنجا که استونی در کسب کنترل نیروگاه جدید در کوناس که به گازپروم به عنوان سرمایه‌گذار و قدرت در لیتوانی مشروعیت می‌داد شکست خورد، چه بسا در حال کنار رفتن باشد.³⁴ اما این به زحمت سایر دوستان روسیه را از تلاش برای تسخیر مواضع کلیدی در دولت و سیاست آن باز خواهد داشت.³⁵ در واقع، گازپروم تلاش برای کسب قراردادی بلندمدت برای عرضه گاز به لیتوانی و معامله با شرکت اصلی گاز لیتووس دوجوس تا سال ۲۰۳۰ را ادامه داد.³⁶ روشن است که این سیاست روسی پایدار و بلندمدت است. بدین ترتیب، استونی تنها از جایی کنار رفت که تلاش‌های اولیه شکست خورد؛ زمانی که تلاش‌هایی برای رسوایی سیاست لیتوانی با استفاده از چهره‌هایی مثل ویکتور آسپاسکیچ، بنیانگذار حزب کارگر، که برای بازگشت به صحنه می‌کوشد، و پاکساس صورت گرفت.³⁷ به همین ترتیب، در استونی، گزارش سالانه‌ی پلیس امنیتی در سال ۲۰۰۶ اظهار داشت که حزب قانون اساسی تا حدودی مورد حمایت مالی مسکو است.³⁸ این نوع عملیات‌ها نیز ظاهراً در جریان است. بدین ترتیب، روزنامه‌ی استونیایی، پوستایمیز، در سال ۲۰۱۵ در مورد این مسئله گزارش داد که چگونه آلیگارهای روسی، با همکاری نزدیک برخی از بالاترین چهره‌های دولت پوتین، برای کسب کنترل اقتصاد استونی در تلاش هستند و از نفوذ خود نه تنها برای تسلط بر بخش‌هایی مثل نفت بلکه برای نفوذ بر سیاست استونی نیز استفاده می‌کنند.³⁹

در مجارستان، استوان سیمیسکو، عضو حزب خلق دمکرات مسیحی و رئیس کمیته‌ی امنیت ملی پارلمان، علناً ادعا کرد که حلقه‌های اطلاعاتی و جنایی روسی (و احتمالاً اسلواک) ممکن است در قتل اعضای رومای مجارستان در تلاش برای تحریک ناآرامی قومی در داخل مجارستان و/یا بی‌اعتبار کردن مجارستان در خارج دخیل باشند.⁴⁰ مثال‌های مکرر تلاش روسیه، یا به تنهایی یا از طریق شرکت انرژی اتریشی او ام وی، برای کسب کنترل بر شرکت‌های انرژی مجارستان بویژه ام او ال نیز وجود دارد.⁴¹ بدین ترتیب، دلیل خوبی برای جلب توجه ایالات متحده به سیاست مجارستان، بویژه زمانی که سوسیالیست‌ها به رهبری نخست‌وزیر فرنک گورچانی در قدرت بودند، وجود داشته است.⁴² در واقع، گورچانی در زمان‌های گوناگون پیشنهاد کرد که اتحادیه‌ی اروپا، روسیه، و حکومت‌های دریای خزر شراکت انرژی را شکل دهند یا گفت که علیرغم جهت‌گیری

33. FBIS SOV, October 1, 2007.

34. JurgaTvaskiene, "Russia does not need 'exposed' friends", Vilnius, LieutvosZinios, in Lithuanian, September 11, 2009, FBIS SOV, September 11, 2009.

35. Ibid.

36. Moscow, ITAR-TASS, in English, September 9, 2009, FBIS SOV, September 9, 2009.

37. Richard J. Krickus, "The presidential crisis in Lithuania: its roots and the Russian factor", Occasional Papers of the East European Studies Institute, No.73, Wilson center, Washington, D.C., 2004; Vilnius, BNS Internet Version in English, September 21, 2007, FBIS SOV, September 21, 2007; Kaunas, KaunoDiena Internet Version, in Lithuanian, September 20, 2007, FBIS SOV, September 21, 2007.

38. Tallinn, Eesti Express Internet Version, in Estonian, October 1, 2007, FBIS SOV, October 1, 2007.

39. Andrey Kuzichkin, "Putin's friends in Estonia: local economy as citadel of Russian business", Postimees, September 1, 2015, BBC Monitoring.

40. Budapest, Magyar Hirlap Online, in Hungarian, August 6, 2009, FBIS SOV, August 6, 2009.

41. Budapest, Hungary Around the clock, in English, August 24, 2009, FBIS SOV, August 24, 2009; Budapest, Magyar Hirlap Internet Version, in Hungarian, December 14, 2007, FBIS SOV, **December 14, 2007**; "Hungary, Austria: a continuing energy rivalry in the Balkans," August 6, 2008, <http://www.stratfor.com>.

42. FerenceKepecs, "Hungarian maneuvering in the draw of three power centers", Budapest, Nepszava, in Hungarian, July 31, 2008, FBIS SOV, July 31, 2008; Budapest, MTI, December 10, 2007, FBIS SOV, December 10, 2007.

دمکراتیک مجارستان، نمی‌توان انتظار داشت از روسیه مستقل شود.⁴³ اخیراً، نشانه‌های قابل تشخیص این اتحاد کسب و کار، جرم و مال و منال حکومتی، در حال ایجاد پناهگاه برای خود، در ایسلند و مونته‌نگرو دیده می‌شوند.⁴⁴

در نهایت، در جمهوری چک در سال ۲۰۰۸ یک دیپلمات ناتو به روزنامه‌ی چکی ملادا فرونتا دنیس گفت که:

بسیج گسترده‌ی شبکه‌های جاسوسی روسی در جمهوری چک و سایر کشورهای ناتو، و نیز مقادیر بی‌سابقه‌ی پولی که مسکو در این "پروژه" در دوران اخیر شروع به سرمایه‌گذاری کرده است، از حدود قابل پذیرش و گاهی همچنین قابل تسامح جاسوسی تجاوز کرده است. در دوران اخیر، از هر معیاری فراتر رفته است، چه در مورد نفوذ در سرویس‌های اطلاعاتی و چه در مورد برقراری تماس با کارشناسان درگیر دفاع استراتژیک ناتو.⁴⁵

پراگ رسماً این دیپلمات‌ها را به خاطر تلاش برای نفوذ بر افکار عمومی علیه تأسیسات دفاع موشکی ایالات متحده در جمهوری چک اخراج کرد. مقامات چک و گزارش‌ها مدت‌ها قبل اظهار داشتند که، با استفاده از کسب و کار و یا تاجر چکی یا روسی به عنوان یک جبهه، مسکو برای برقراری تماس و تطمیع سیاستمداران برای نفوذ بر سیاست‌های چک در تلاش بوده است.

تا سال ۲۰۰۹، مسکو تعداد کارگزاران شناخته‌شده در جمهوری چک را دو برابر کرد و بسیاری از مقامات معتقد بودند که رهبری حزب سوسیال‌دمکرات چک اسیر توهّمات خطرناک در مورد روسیه یا بدتر از آن است و سیاست‌های غرب‌محور پراگ را تضعیف خواهد کرد.⁴⁶ بدین ترتیب، اطلاعات چک گزارش داد که اطلاعات روسیه برای برقراری و بهره‌برداری از پیوندها با سیاستمداران و گروه‌های مدنی چک با اهدافی مخاصم سیاست حکومت و موافق روسیه تلاش کرده است.⁴⁷ همانگونه که یکی از نمایندگان اطلاعات چک، سرویس اطلاعات امنیتی (بی‌آی‌اس)، قبلاً به نشریه‌ای چکی گفته بود:

در چند سال گذشته، متوجه تلاش‌های متعدد موجودیت‌های تجاری شده‌ایم که ارتباط با مسکوی مشکوک برای کسب کنترل بر ارتباطات راه دور، سیستم‌های اطلاعاتی، و زیرساخت‌های حمل و نقل از راه‌آهن تا فرودگاه و خطوط هوایی را ثابت کرد. اما نمی‌دانیم سرویس‌های مخفی روسیه تا چه حد در این فعالیت‌ها دخیل هستند.⁴⁸

کارشناسان مطلع چک مثل سفیر سابق در مسکو، لوکاس دوبروفسکی، در این مورد تردید اندکی دارند که مسکو از طریق چنین تلاش‌هایی برای نفوذ بر حکومت چک به دنبال چیست. همانگونه که وی اظهار داشته است:

43. Budapest, MTI, in English, November 14, 2008, FBIS SOVF, November 14, 2008; Budapest, MTI, in English, September 25, 2008, FBIS SOVF, September 25, 2008.

44. Vladimir Prybylovsk Y, Natalya Morar, Ilya Barabanov, Yevgeniyaalbats, "from Petersburg to Reykjavik: Whose money is rescuing Iceland", Compromat.ru Internet, in Russian, October 20, 2008, FBIS SOV, October 20, 2008; Dan Bilefsky, "despite crisis, Wealthy Russians are buying up coastal Montenegro", New York Times, November 1, 2008, <http://www.nytimes.com>.

45. Jan Gazdik, "in Czech Republic Russians are reactivating agents from the cold War period", Prague, idnes.cz online, in Czech, August 25, 2009, FBIS SOV, August 25, 2009.

46. Ibid.; Erik Tabery and OndrejKundra, "The big spying game: What was behind the expulsion of two Russians from the Czech Republic?" Prague, Respekt.cz Online, in Czech August 24, 2009-August 30, 2009, FBIS SOV, August 31, 2009; lenkaZiamalova, "interview with Lucas Dobrovsky", Prague, HospodarskeNoviny Online, in Czech, August 21, 2009, FBIS SOV, August 25, 2009; Prague, Czech Happenings, in English, August 21, 2009, FBIS SOV, August 25, 2009; Prague, Czech Happenings, in English August 27, 2009, FBIS SOV, August 27, 2009; Prague, CTK, in English, August 31, 2009, FBIS SOV, August 31, 2009; "Russia, Czech Republic: Trading diplomatic Expulsions", Stratfor.com, August 18, 2009.

47. Prague, CTK, in English, August 31, 2009, FBIS SOV, August 31, 2009.

48. Tabery and Kundra, FBIS SOV, August 31, 2009.

ما نمی‌توانیم در برابر تلاش‌ها برای بازگرداندن نفوذ اقتصادی، سیاسی و شاید تا حدودی نظامی روسیه به حوزه‌ی اروپای مرکزی مقاومت کنیم. رئیس‌جمهور و حکومت فعلی روسیه معتقدند که این، نفوذی طبیعی در حوزه‌ای است که مستقیم و غیرمستقیم تحت اشغال اتحاد شوروی سابق بوده است. شما شواهد بسیاری از این باور را در بیانات سیاستمداران روس می‌یابید. این منجر به تضعیف روابط اروپایی - آتلانتیکی ما خواهد شد.⁴⁹

معاون وزیر خارجه‌ی چک، توماس پوجار، این اظهارات را تکرار کرد و متذکر شد که بازیافت جایگاه روسیه در اروپای مرکزی، اولویت پوتین از زمان قدرت گرفتن او در سال ۲۰۰۰ بوده است.⁵⁰ جدیدتر از همه، لوک‌اویل انتخابات پرزیدنت میلوس زمان را در سال ۲۰۱۳ تأمین مالی کرده است.⁵¹

بالکان: عرصه‌ی رقابت ژئوپلیتیکی شرق - غرب

پدیده‌های مشابهی در بالکان قابل مشاهده است. بالکان مثل قرن‌های گذشته همچنان عرصه‌ی رقابت ژئوپلیتیکی شرق - غرب است. اما امروزه، ابزارهای رقابت، ارتش‌ها نیستند بلکه نیروهای اقتصادی - سیاسی هستند: کنترل خطوط لوله‌ی انرژی و تولید و استفاده از آن کنترل برای مقاصد سیاسی بیش از صرف مقاصد اقتصادی، و نیز جاذبه‌ی مدل‌های سیاسی رقیب یا به عبارت دیگر مدل پسااملی‌گرا و بین‌الملل‌گرای لیبرال اتحادیه‌ی اروپا یا مدل پوتینی دولت‌سالاری اقتدارگرا و حکومت نخبگان جانی پشت‌گرم به ناسونالیسم دولتی اگر نگوییم مردمی. بدین ترتیب، روزنامه‌ای مقدونی اظهار داشت که امروزه اهمیت ژئواستراتژیک بالکان بسیار زیاد است چرا که هارتلند روبروایی بین خطوط لوله‌ی انرژی رقیب، خط لوله‌ی ناپوکوی اتحادیه‌ی اروپا و پروژه‌ی سوت استریم روسیه است. از آنجایی که بسفر و داردانل از لحاظ میزان انرژی که می‌توان از طریق آنها حمل و نقل کرد محدودند، گستره‌ی زمین بالکان در این بستر هر چه مهم‌تر می‌شود و بنابراین هر دولتی تمام تلاش خود را می‌کند تا تضمین کند که خطوط لوله‌ی نفت و گاز از سرزمینش عبور کند.⁵²

بنابراین، مسلماً مبارزه‌ی فعلی برای بالکان، که اکنون از طریق مدل‌های سیاسی و پروژه‌های انرژی رقیب رخ می‌دهد، با رقابت بزرگتر ژئواکونومیک و ژئوپلیتیکی شرق - غرب بر مبنای کنترل مسیرها و عرضه‌ی انرژی پیوند دارد. میلان سیموردیک چنانکه باید و شاید اظهار داشت که:

سیاست انرژی روسیه در بالکان را می‌توان به عنوان بخشی از رقابت برای دسترسی، کنترل و نفوذ بر کسب و کار نفت و گاز، بویژه در حوضه‌ی خزر و آسیای مرکزی در نظر گرفت. بالکان نماینده‌ی مرحله‌ی نهایی ارسال نفت و گاز از آن منطقه به بازارهای اروپا (در مورد خطوط لوله‌ی گاز) و حمل و نقل نفت به بازار جهانی (در مورد بنادر دریایی) است. بیش از پیش، منطقه‌ی بالکان متصل به "بازی بزرگ جدید" یا به عبارت دیگر تکرار مدرن مبارزه بین بریتانیای امپریال و روسیه‌ی امپریال در قرن نوزدهم برای نفوذ در آسیای مرکزی است.⁵³

اگرچه دولت‌های بالکان به دلایل روشن اقتصادی می‌خواهند قادر به حداکثرسازی گزینه‌ها و دسترسی‌شان به گاز با اتکاء بر پروژه‌ی سوت استریم روسیه و نیز خط لوله‌ی ترانس‌آناتولی آذربایجان - ترکیه باشند، در نهایت تصمیم به اتکاء عمده بر یکی از طرح‌های خط لوله، قصد و نیت سیاسی را نیز نشان می‌دهد.⁵⁴ بنابراین، تصمیم به اتکاء عمده بر پروژه‌های خط لوله‌ی روسی مثل خط لوله‌ی گاز سوت استریم یا پروژه‌ی

49. lenkaZiamalova, "interview with Lucas Dobrovsky", FBIS SOV August 25, 2009.

50. lenkaZiamalova, "interview with deputy foreign minister Thomas Pojar", Prague, Hospodarskenoviny Online, in Czech, September 25, 2009-September 28, 2009, FBIS SOV, September 28, 2009.

51. Jan Richter, "MilošZeman - political veteran seeking to crown his career", <http://www.radio.cz/en/section/curaffrs/milos-zeman-political-veteran-seeking-to-crown-his-career>, December 19, 2012.

52. merselBilalli, "Utter isolation", Skopje, Dnevnik, in Macedonian, October 16-17, 2010, Open Source Center, Foreign Broadcast Information Service, Central Eurasia, (Henceforth FBIS SOV), October 17, 2010.

53. Milan Simurdic, "Russian energy policy and the Balkans", <http://www.isac-fund.org/.../06e-milan%20simurdic%20-.,> pp. 3-4.

54. Liuhto.

نابوکو وست اتحادیه‌ی اروپا یا خط لوله‌ی ترانس‌آدریاتیک یا خط لوله‌ی ترانس‌آناتولی آذربایجان - ترکیه به همان اندازه اگر نه اساساً تصمیماتی ژئوپلیتیکی بودند و برآیند ژئوپلیتیکی داشتند تا صرفاً اقتصادی. گرچه شاید همانگونه که وزرای بالکان به مخاطبان آمریکایی گفته‌اند درست باشد که اگر آنها گاز روسی نداشته باشند، هم‌وطنانشان در زمستان یخ می‌بندند؛ این انتساب اهمیت ژئوپلیتیکی اصلی به انتخاب‌های خط لوله هنوز درست است زیرا فقط عرضه‌ی انرژی مطرح نیست بلکه اهرمی قاطع بر امور اقتصادی - سیاسی در حکومت‌های بالکان مطرح است.⁵⁵ به دلایلی مشابه، هر گونه گسترش آینده‌ی اتحادیه‌ی اروپا یا اتحادیه‌ی اوراسیای پیشنهادی روسیه و طرح‌های همگرایی وابسته، به اندازه‌ی مضمون و عواقب اقتصادی داخلی، مضمون و عواقب ژئوپلیتیکی خواهد داشت.⁵⁶ در واقع، همانگونه که کاپچینسکی اظهار داشته است:

سَوْت استریم می‌تواند روسیه را در موضع کنترل مدخل خط لوله‌ی ارسال گاز به اروپا از آسیای مرکزی و سایر کشورهای تولیدکننده قرار دهد. روسیه، گذشته از نقشش به عنوان واسطه‌ی ناخواسته، به دروازه‌بان کریدور جنوبی اروپا برای عرضه‌ی انرژی تبدیل می‌شود.

مسکو در پی کنترل خطوط لوله از اوراسیا به روسیه و سپس اروپا و بدین ترتیب تنظیم قیمت گاز برای مشتریانش است.⁵⁷ سپس می‌کوشد دولت‌های بالکان و سایرین را به قراردادهای بلندمدتی پیوند دهد که توانایی این دولت‌ها برای خرید آزادانه‌ی گاز به قیمت واقعی بازار را محدود می‌کنند. اساساً این کنترل خطوط لوله و بدین ترتیب قیمت‌ها در بالکان و کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به مسکو امکان داده است که به عنوان یک انحصارطلب رفتار کند و به عرضه‌کنندگان گاز در کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و مصرف‌کنندگان در بالکان بگوید یا قیمت‌های ما را بپذیرید یا یخ بزنید.⁵⁸

ابزارهای این تلاش برای سلطه، پروژه‌های خط لوله، اعمال انحصار در طرف عرضه و مصرف و تلاش‌های پیوسته‌ی روسیه برای تبدیل اهرم اقتصادی به نفوذ اقتصادی - سیاسی پایدار و استراتژیک بوده است. از لحاظ قراردادی، تلاش‌های روسیه برای کنترل در شرایطی متجلی شده است که مصرف‌کنندگان اروپایی باید قراردادهای بلندمدت را امضا کنند و گاز روسیه را صرف نظر از شرایط واقعی بازار با قیمت‌های از پیش مقرر ببرند. این بندهای ببر یا جریمه‌شو* بخش حیاتی کل کسب و کار روسی هستند. بدین ترتیب، در سال ۲۰۰۶ پریزدنت پوتین اظهار داشت که بازار انرژی باید در برابر پیش‌بینی‌ناپذیری در مورد خریداران و فروشندگان که به یک اندازه "توزیع منصفانه‌ی" ریسک‌ها را بر عهده دارند حفظ شود. این بدان معناست که روسیه باید قراردادهای بلندمدت را با مشتریانش ببندد که آنها را مقید به بندهای ببر یا جریمه‌شوی دشوار کند و از این طریق آنها مجبور باشند گاز را با قیمت بالاتر بخرند یا پول گازی که نمی‌خرند را بپردازند و این کار را برای سال‌ها انجام دهند.⁵⁹

همانگونه که بانک جهانی دریافت، روسیه از لحاظ تاریخی سیاست‌های انحصارطلبانه‌ی تبعیض قیمت را به دلایل سیاسی در میان مشتریانش اعمال کرده است. آن مشتریان (مثلاً بالکانی) که با مسکو راه آمده‌اند، تخفیف قیمت دریافت کردند، در حالی که کشورهای غربی قیمت‌های بالاتر پرداخت کردند و از این طریق به اقتصاد گاز خود روسیه یارانه دادند. اگرچه پس از سال ۲۰۰۵، روسیه ظاهراً درخواست کرد که مشتریان و کشورهای ترانزیتی به یک‌سان قیمت بازار را پرداخت کنند، در واقع با وجود افزایش قیمت‌ها، تبعیض قیمت همچنان در میان مشتریان وجود

55. Christie in Liuhto.

56. FederigaBindi and Irina Angelescu, "Introduction: defining the frontiers of Europe from a Transatlantic perspective", in FederigaBindi and Irina Angelescu, eds., *The Frontiers of Europe: a Transatlantic Problem?* (Washington, D.C.: Brookings Institution Press, 2011), p. 2; "Putin sets Russia's APEC Summit priorities in the Wall Street Journal article", *The Voice of Russia*, http://english.ruvr.ru/2012_09_05/putin-sets-russia-s-apEc-summit-priorities-in-The-Wall-Street-Journal, September 5, 2012.

57. Bertilnygren, *The rebuilding of greater Russia*; Bertilnygren, "Putin's use of natural gas to reintegrate the CIS region", pp. 4-17.

58. Oliver Morgan, "Kremlin ready to take on the West", *The Observer*, January 7, 2007.

* take or pay clauses

59. Moscow, Interfax, in English, July 6, 2006, FBIS SOV, July 6, 2006.

داشته است.⁶⁰ بر این اساس، استراتژی روسیه از سال ۲۰۰۰ حفظ قیمت‌های بالا با تحدید سرمایه‌گذاری داخلی در میدین گاز روسیه و ظرفیت تولید جدید تا زمانی بوده است که برای اقناع خریداران اروپایی برای تمدید این قراردادهای بلندمدت شامل بندهای ببر یا جریمه‌شو که حدود سال ۲۰۱۵ منقضی می‌شوند و حفظ قیمت‌های بالا تا سال ۲۰۳۰ مورد نیاز است. این استراتژی مستلزم موارد زیر است: جلوگیری از ارسال گاز به اروپا توسط تولیدکنندگان آسیای مرکزی و خزر، کسب کنترل بر حمل این گاز با کشتی، استفاده از اهرم حاصله برای کاهش اهرم کشورهای ترانزیتی، بلاروس، اوکراین و ترکیه، جلوگیری از حل و فصل موضوع تعیین وضعیت دریای خزر و ناکام گذاشتن هر گونه تلاشی برای ایجاد خط لوله‌ی ترانس کاسپین، منع پروژه‌ی خط لوله‌ی نابوکو که عملاً با گاز روسیه رقابت خواهد کرد، سرمایه‌گذاری در منابع آفریقای شمالی برای کسب اهرم بر فروش گاز به اروپا، و ایجاد پروژه‌های خط لوله‌ی پیشدستانه مثل نورث استریم و سوت استریم که شراکت با بازیگران عمده‌ی اتحادیه‌ی اروپا را تقویت می‌کند، تضعیف دولت‌های ترانزیتی، و وابسته کردن آنها به منبع انحصاری گاز روسیه.⁶¹

امروزه، با پیدایش گاز شیل و گاز طبیعی مایع (ال‌ان‌جی) و نیز اقدامات اتحادیه‌ی اروپا علیه گازپروم، نشانه‌هایی وجود دارد که این استراتژی انحصارطلبانه می‌تواند فروپاشد. گاز شیل به ویژه نماینده‌ی تهدیدی عمده است زیرا می‌تواند مورد بهره‌برداری زیاد لهستان، اوکراین، لیتوانی و دولت‌های بالکان قرار گیرد. به محض اینکه ایالات متحده و کانادا صادرات شیل را در سال ۲۰۱۶ آغاز کنند، این می‌تواند گاز روسیه را تحت فشار شدیدی قرار دهد. این، حفظ تسلط روسیه بر بالکان را هر چه بیشتر مبرم می‌کند چرا که با تهدیدی دوگانه مواجه است: همگرایی مداوم منطقه با پروژه‌های اروپایی و دمکراتیک و از دست دادن قدرت انحصار بر جریان‌های گاز منطقه‌ای. این دلیل عمده‌ی تمرکز شدید روسیه بر دیپلماسی انرژی در کل بالکان و به ویژه بالکان غربی، مخصوصاً صربستان، است.

روسیه با استفاده از درآمدهایی که از فروش نفت و گاز در خارج کسب کرده است، مشتاقانه در پی خرید دارایی‌های پایین‌دستی در اروپا برای کسب کنترل بر شبکه‌های توزیع گاز و سایر "قله‌های فرماندهی" اقتصادهای اروپایی برای مثال صنایع و شرکت‌های نفتی در سایر بخش‌های کلیدی که در روند خصوصی‌شدن هستند و از این طریق تبدیل نفوذ اقتصادی به اهرم سیاسی پایدار است.⁶² البته، این سرمایه‌گذاری‌ها عموماً با آگاهی و حمایت کامل حکومت روسیه صورت می‌گیرند که قادر به هدایت برنامه‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی مثل گازپروم است.⁶³ هدف چنین سرمایه‌گذاری‌هایی نه فقط سود بلکه به روشنی برقراری پایگاه‌هایی برای گسترش و تحکیم نفوذ و اهرم اقتصادی - سیاسی بر حکومت‌های محلی و نیز پایگاه‌هایی است که از آنجا به فساد کشیدن نهادهای عمومی و رهبران سیاسی این کشورها ممکن می‌شود.

بدین ترتیب، شاهد سیاست آگاهانه‌ی حمایت دولتی از انحصاری‌سازی جریان‌های گاز به ویژه در بالکان، تحصیل دارایی‌های پایین‌دستی آنجا و بقیه‌ی اروپا و سپس گسترش به سایر صنایع و کسب نفوذ اقتصادی - سیاسی بر این دولت‌ها هستیم.⁶⁴ در بالکان، گازپروم و وابسته‌ی نفتی آن، گازپروم‌نفت، مشغول تدارک وابسته‌هایی هستند.⁶⁵ طبق اطلاعات سی. بی.دی. گری، گازپروم در جهت این هدف از سال ۲۰۰۹ سهام کمتر از پنجاه درصد در حدود ۸۰-۶۰ موجودیت در سراسر اروپا را کسب کرده است. اما اتحادیه‌ی اروپا گازپروم را به عنوان یک انحصارطلب، که بدون

60. The World Bank, The future of the natural gas market in Southeast Europe (Washington, D.C.: The World Bank, 2010), p. 94.

61. Ibid., p. 95.

* commanding heights

62. Bertilnygren, The rebuilding of greater Russia; Bertilnygren, "Putin's use of natural gas to reintegrate the CIS region", pp. 4-17.

63. Moscow, Interfax, in English, September 16, 2011, FBIS SOV, September 16, 2011.

64. The World Bank, The future of the natural gas market in southeast Europe; Open Source Center, Report: East Europe: overview of energy issues, dependence on Russia, FBIS SOV, May 16, 2007; Open Source Center, analysis: Russian oil companies expand influence in Balkans with Kremlin's support, FBIS SOV, August 7, 2009.

65. Alexander Fatic, "A strategy based on doubt: Russia courts Southeast Europe", Contemporary Security Policy, 31: 3, September, 2012, p. 448.

شک هست، دنبال نمی‌کند (انصافاً، شبیه به سندیکای جرائم سازمان‌یافته نیز بوده است).⁶⁶ مطابق یک فهرست قدیمی‌تر در مطبوعات روسی، گازپروم:

در بیش از ۲۰ شرکت اروپایی از ۱۶ کشور سهم دارد که درگیر توزیع، بازاریابی و حمل و نقل گاز هستند. در ضمن، در نیمی از آنها سهم آن معادل یا متجاوز از ۵۰ درصد است. به علاوه، در پایان ژانویه (۲۰۰۹) گازپروم کسب و کار مشترکی را با شرکت او ام وی اتریش برای روزآمدسازی تأسیسات ذخیره‌ی گاز و شبکه‌ی توزیع در بومگارتن ایجاد کرد که معطوف به ذخیره و توزیع گاز از خط لوله‌ی نابوکو هستند.⁶⁷

بنابراین، گازپروم (صرف نظر از سایر شرکت‌های روسی) اکنون موضع مهمی در کل اقتصاد گاز اروپا، اگر نه سایر بخش‌ها، دارد. گازپروم کشورهای اروپایی کلیدی خاصی مثل آلمان را هدف قرار داده است که در آن سرمایه‌گذاری‌های روسی و بویژه گازپروم رو به رشد هستند.⁶⁸ در واقع، در نتیجه‌ی پیوندهای تجاری گسترده‌ی روسیه - آلمان، تجار آلمانی تبدیل به یک لابی عمده علیه هر سیاستی شده‌اند که بتواند این رابطه را به هم بزند و حکومت نیز جهان‌بینی اساساً متفاوتی از ایالات متحده در مورد روسیه و گشایش آلمان به روی نفوذ تجاری روسیه (صرف نظر از اروپای شرقی) دارد؛ واقعیتی که همه‌ی امید سیاست‌های یکپارچه در قبال روسیه را از بین برده است.⁶⁹

این روندها به بویژه در بالکان مشهود است. مسکو از سلاح‌های انرژی خود برای حصول اهداف سیاسی مثلاً با دخل و تصرف در عرضه‌ی گاز به حکومت‌های بالقوه متمرّد و با خرید دارایی‌های بخش انرژی موجود استفاده کرده، می‌کند و خواهد کرد. مسکو از نیاز این اقتصادهای کوچک به عرضه‌ی انرژی قابل اتکا بر اساس خطوط لوله‌ی موجود و نیازشان به سرمایه‌گذاری بهره‌برداری می‌کند و از درآمدهایی که کسب کرده است برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های کلیدی اقتصادهای محلی بویژه آنچه می‌توان "قله‌های فرماندهی" نامید، انرژی، انتقال برق، توزیع نفت و گاز، و ارتباطات، استفاده می‌کند. مسکو طرح‌های کلانی هم برای این منطقه دارد. در سال ۲۰۱۰، روسیه برنامه‌هایی را برای خط لوله‌ی نفت عظیم بالکان همراه با خط لوله‌ی گاز سوت استریم منتشر کرد.

این سند خط لوله‌ی نفت ۳۲۰۰ کیلومتری به نام دروژبا آدریا را به تصویر کشید که برای ارسال سالانه ۱۵-۵ میلیون تن نفت (با افزایش فازها) طراحی شده است. دروژبا آدریا از شهر سامارای روسیه آغاز شده و از بلاروس، اوکراین، اسلواکی، و مجارستان عبور کرده و به پایانه‌ی باراندازی اومیسالچ در جزیره‌ی کرک کرواسی می‌رسد.⁷⁰

مطالبات مسکو از اروپا در رابطه با انرژی کاملاً ساده هستند و اساساً معادل این است که دست آن را باز بگذارد تا تعیین کند چگونه گاز را عرضه خواهد کرد و به آن اجازه دهد که بر عرضه‌ی گاز اروپا مسلط شود.⁷¹ مسکو از اتحادیه‌ی اروپا می‌خواهد خط لوله‌ی سوت استریم را به عنوان

66. C. Boyden Gray, "Europe should tackle Gazprom monopoly", *European Affairs* 10: 1-2, Winter/Spring 2009, p. 45.

67. Ekaterina Kuznetsova, "Gas dilemma of Moscow and Brussels", *Nezavisimaya Gazeta Online*, in Russian, May 21, 2009, FBIS SOV, May 21, 2009.

68. Michael Steurmer, *Putin and The Rise of Russia* (New York: Pegasus Books, 2009), pp. 134-139.

69. Christopher S. Chivvis and Thomas Rid, "The roots of Germany's Russia policy", *Survival*, LI:2, April-May, 2009, pp. 105-122; Stephen G. Szabo, "can Berlin and Washington agree on Russia?" *The Washington Quarterly*, 32: 4, October, 2009, pp. 23-41; Kostis Geropoulos, "Merkel to Putin: Bring Germany das gas", *New Europe*, October 4, 2009, <http://www.neurope.eu/article96646.php>; Open Source Center, OSC Report - Business Ties With Russia Limit Berlin's Policy Choices, OSC Report, FBIS SOV, October 28, 2008.

70. fatic, "astrateg y based on doubt: russia cour ts southeast Europe", pp. 4 47-4 4 8; ПР ОГ РА ММ А э ф ф е к т ивног о и с по ль з ов ани я на с и с т е м ной о с н о в е внешнеполитических факторов в целях долгосрочного развития Российской Федерации (PROGRAM For THE EFFECTIVE USE ON A sYSTEMATIC bASIS OF FOREIGN policyfacTorsWiThThE aim ofThE long-TERmdEVELOpmEnT ofThE Russian fEdEraTion)," *russKynEWsWEEK*, may11, 2010, <http://www.runewsweek.ru/country/34184/>

71. *Ibid*, pp. 78-82.

یکی از پروژه‌های اولویت‌دارش بپذیرد و از این طریق جلوی هر خط لوله‌ی رقیب دیگری مثل خط لوله‌ی نابوکو را بگیرد.⁷² فراتر از این مطالبه، گازپروم اعلام کرده است که به دنبال معافیت‌هایی از قانون اتحادیه‌ی اروپا برای شاخه‌های گوناگون خط لوله‌ی سوت استریم در سراسر اروپا خواهد بود (که به روشنی شامل بخش زیادی از بالکان می‌شود و منطقه‌ی "عاری از اتحادیه‌ی اروپا" برای نفوذ روسیه در آنجا را ایجاد خواهد کرد). معافیت‌هایی که گازپروم به دنبالش است، اتحادیه‌ی اروپا را از هر گونه مشارکت یا نظارت بر خطوط لوله کنار خواهد گذاشت و تضمین می‌کند که تقریباً (اگر نه کاملاً) به اندازه‌ی سایر معاملات ریسکی انرژی روسیه مبهم است:

یکی از اهداف دارای اولویت بالای معامله‌ی ریسکی مشترک پس از تعیین شاخص‌های فنی و اقتصادی انتخاب گزینه‌ی پروژه‌ی سوت استریم، محتمل‌تر از همه پیگیری معافیت‌های ضروری از قواعد گازی جدید (دسترسی طرف ثالث، تعیین تعرفه بر شبکه، تفکیک مالکیت اپراتور و عرضه‌کننده) است که برای تضمین منافع سرمایه‌گذاران مورد نیاز است.⁷³

این نکته نیز به همان میزان مهم است که مسکو از طریق کنترل بر انرژی، امید به کاهش استقلال واقعی دولت‌های پس از شوروی از جنوب بالتیک تا دریای سیاه دارد. در واقع، هدف مسکو بلاثر کردن عملی محتوای حاکمیت دولت‌های پس از شوروی و پیمان ورشوی سابق است. بدین ترتیب، مایکل امرسون اظهارات یک رهبر جامعه‌ی مدنی در بلاروس را گزارش می‌کند که به او گفت "برداشت ما این است که مسکو به جایی رسیده که فنلاندی‌شدن بلاروس را اجتناب‌ناپذیر و حتی مفید می‌بیند".⁷⁴ همانگونه که امرسون می‌گوید، فنلاندی‌شدن یعنی:

باقی ماندن در مدار قدرت مسکو برای امور امنیتی استراتژیک (تأسیسات نظامی استراتژیک، ۵۰ درصد مالکیت خط لوله‌ی گاز، عدم امکان آمال و آرزوهای ناتو) اما بازتر شدن به روی همسایگان اتحادیه‌ی اروپایی‌اش برای تماس‌های شخصی و آزادسازی سیاسی نهایی و مدرن‌سازی اقتصادش. نشانه‌هایی برای باور کردن این وجود دارد.⁷⁵

این تهی‌سازی درونی ساختارهای امنیتی اروپا در پیوند مستقیم با اهرمی است که از پیوند چهاروجهی شرکت‌های انرژی روسیه (که در پی کسب مالکیت‌های پایین‌دستی در اروپا هستند تا توسعه‌ی زیرساخت‌های روسیه)، جرم سازمان‌یافته، سرویس‌های اطلاعاتی و حکومت حاصل شده است. افسران اطلاعاتی و دیپلمات‌های اروپایی در خلوت و جلوت اذعان کرده‌اند که این اهداف روسیه همچنان در حال اجرا هستند و حتی روسیه را دولتی مافیایی مبتنی بر فساد فراگیری می‌نامند که حکومت، سرویس‌های امنیتی، انرژی و سایر کسب و کارها و جرم سازمان‌یافته را پیوند می‌دهد، گرچه حکومت‌های آن همچنان از اعلام علنی این موضوع نگران هستند.⁷⁶ مقصود، ساده است: براندازی نهادهای عمومی اروپا.⁷⁷

72. Moscow, ITAR-TASS, in Russian, May 19, 2009, FBIS SOV, May 19, 2009.

* "EU-free" zone of Russian influence

73. Moscow, Interfax, in English, March 22, 2011, FBIS SOV, March 22, 2011.

74. Michael Emerson, "Do we detect some neo-Finlandization in the Eastern neighborhood?" CEPS Commentary, May 28, 2009, <http://www.ceps.be>.

75. Ibid.

76. Conversations with European intelligence and diplomatic officials, Washington, and Europe, 2008.

77. Keith C. Smith, Russian Energy Politics in the Baltics, Poland, and the Ukraine: A New Stealth Imperialism? (Washington, D.C.: Center for Strategic and International Studies, 2004); Anita Orban, Power, Energy, and the New Russian Imperialism (Washington, D.C.: Praeger, 2008); Edward Lucas, The New Cold War: Putin's Russia and the Threat to the West, updated and revised Edition (New York and London: Palgrave Macmillan, 2009); Janusz Bugajski, Janusz Bugajski, Dismantling the West: Russia's Atlantic Agenda (Dulles Va.: Potomac Press, 2009); Janusz Bugajski Cold Peace: Russia's New Imperialism (Washington, D.C.: Center for Strategic and International Studies, Praeger, 2004); Richard Krickus, Iron Troikas (Carlisle Barracks, Pa: Strategic Studies Institute of the US Army War College, 2006); Valery Ratchev, "Bulgaria and the future of European security", Paper Presented to the SSI-ROA Conference, "Eurasian security in the Era of NATO Enlargement," Prague, 4-5 August 1997; Laszlo Valki, "Hungary and the future of European security," Ibid.; Stefan Pavlov, "Bulgaria in a vise", Bulletin of the Atomic Scientists, January-February 1998, pp. 28-31; Moscow, Izvestiya, in Russian, 19 June 1997, in FBIS SOV, 97-169, 18 June 1997; Sofia, Novinar, in Bulgarian, 10 April 1998, in Foreign Broadcast Information Service, Eastern Europe (hereafter FBIS EEU), 98-100, 13 April 1998.

در واقع، شواهد حامی این استدلال چشمگیرند.⁷⁸ اگر سیاست‌های روسیه در بالکان را کشور به کشور بررسی کنیم، با وضوح حتی بیشتری نقش اساسی را می‌بینیم که انرژی و سایر وجوه جنگ اقتصادی در استراتژی روسیه تاکنون ایفا کرده‌اند. به عبارت دیگر، ما با سیاستی فراگیر و استراتژیک از سوی نخبگان روس مواجهیم.

علیرغم تغییرات فراوان و پویا در اقتصاد انرژی جهانی و سیاست جهان از سال ۲۰۰۹، استراحتی برای تلاش‌های مسکو در جهت استفاده از سلاح انرژی نبوده است چرا که چاقویی سوئیسی در اروپا یا اوراسیا و نیز خاورمیانه برای خدمت به منافع دولت روسیه و تضعیف وضع موجود جهانی است. در تجلیات معاصرتر تلاش‌های آن برای استفاده از انرژی در جهت حصول مقاصد استراتژیک، می‌توان به سه عملیات جاری مربوط به انرژی اشاره کرد: مسکو برای به هم زدن اتحادیه‌ی اروپا از طریق پروژه‌ی خط لوله‌ی ترک‌استریم مبارزه می‌کند (که اکنون خود به دلیل بحران پیش‌بینی‌نشده‌ی روسیه - ترکیه بر اثر سرنگونی جت جنگی روسیه توسط ترکیه در نوامبر ۲۰۱۵ موضوع مجادله است)؛ تلاش مداوم برای اغوای آلمان از طریق خط لوله‌ی نورد استریم دو برای رویگردانی از ایستاری یکپارچه با اتحادیه‌ی اروپا، فشار روسیه از لحاظ انرژی بر گرجستان، و سیاست انرژی در خاورمیانه.

ترک‌استریم

پروژه‌ی معلق ترک‌استریم برای ارسال گاز روسیه به ترکیه که از آنجا در مرز یونان به اروپا فروخته می‌شود و بدین ترتیب اتحادیه‌ی اروپا را دور می‌زند، بازتاب تلاش‌های مداوم مسکو برای جدا کردن اوکراین از اروپا، وابستگی کامل یا عمده‌ی اوکراین به گاز روسیه، افزایش اهرم بر ترکیه و سایر دولت‌های بالکان و شکستن انسجام اتحادیه‌ی اروپاست. اگرچه سَوْت استریم به علت تحریم‌های اتحادیه‌ی اروپا متوقف شد؛ ترک‌استریم همچنان پیش می‌رود و تداوم تمایل مسکو به استفاده از انرژی به عنوان سلاح سیاست بین‌الملل است.

اما، حرکت حساب‌شده‌ی مسکو برای برقراری "ترک استریم" با ترکیه برای جایگزینی با سَوْت استریم منسوخ، تداوم استفاده از انرژی به عنوان سلاحی است که با آن دولت‌های آسیب‌پذیر تهدید می‌شوند. ترک استریم تداوم تلاش‌های مسکو برای واداشتن اوکراین به وابستگی کامل به روسیه و انرژی آن و در عین جدا کردن آن از اروپا است. به علاوه، روسیه در حرکات اخیرش در مورد ترک استریم اساساً اولتیماتومی برای اروپا تعیین کرده است. در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۵، مسکو به صورت یکجانبه و ناگهانی گاز به اوکراین و شش کشور اروپایی دیگر وابسته به آن گاز را قطع کرد.⁷⁹ مسکو انگیزه‌های بسیاری برای این حرکت دارد. در تلاش است تا به تحریم‌های اتحادیه‌ی اروپا بر خود به خاطر حمله به اوکراین تسکین اگر نگوییم پایان دهد. دوم اینکه، روسیه از دولت‌های بالکان و سایر دولت‌های اروپایی اخاذی می‌کند و با تهدید آنها به قطع گاز - سیاست دیرینه‌ی کرم‌لین - در پی دست باز و نیز اهرم مهمی بر اقتصاد و سیاست آنهاست.⁸⁰ سوم اینکه، مسکو می‌خواهد هر گونه امید به خودگردانی اوکراین را با واداشتن آن به وابستگی اقتصادی و استراتژیک ابدی به گاز روسیه با تهدید به قطع آن به ویژه در زمستان نابود کند. چهارم اینکه، هدف آن، جلوگیری از همگرایی اروپا حول اتحادیه‌ی اروپا و نیز گسترش حوزه‌ی اتحادیه‌ی اروپا از طریق توافقات تجاری عمیق و جامع موسوم به توافق همکاری با جمهوری‌های شوروی سابق است. پنجم اینکه، می‌خواهد وابستگی ترکیه به روسیه به عنوان تأمین‌کننده‌ی عمده اگر نه انحصاری گاز آن کشور را تثبیت کند. در این ارتباط، تصمیم دسامبر ۲۰۱۴ مسکو (که تصمیمی بدون برنامه در حالت آزدگی خاطر نبود) به خاتمه‌ی پروژه‌ی سَوْت استریم به سمت بالکان و تغییر مسیر آن به سمت ترکیه، همانگونه که تحلیل‌گران ترک اذعان می‌کنند، نتیجه‌ای خواهد

78. Edward Lucas, *The New Cold War: Putin's Russia and the Threat to the West* (London: Palgrave Macmillan, 2008); Robert L. Larsson, "Nord Stream, Sweden and Baltic Sea security," FOI (Swedish Defense Research Agency), March 2007; Robert L. Larsson, "Russia's energy policy: security dimensions and Russia's reliability as an energy supplier," FOI (Swedish Defense Research Agency), March 2006.

79. Stephen Blank, "Russia gives EU, Turkey and Azerbaijan an ultimatum on 'Turk stream'," *Eurasia Daily Monitor*, January 22, 2015.

80. "Turkey's gas deals with Russia raise concerns of dependency", *Today's Zaman*, December 2, 2014, http://www.todayszaman.com/anasayfa_turkeys-gas-deals-with-russia-raise-concerns-of-dependency_365960.html

داشت که ترکیه برای بیش از ۷۰ درصد گازش به روسیه وابسته خواهد بود.⁸¹ تصمیم اخیر مسکو به قطع گاز اوکراین، ترکیه و پنج دولت دیگر بالکان، معمای واقعی را برجسته می‌کند که ترکیه می‌تواند به دلیل این وابستگی بیش از حد به گاز روسیه با آن مواجه شود.

ششم اینکه، با این حرکت و با تغییر مسیر سوت استریم به ترکیه، روسیه در حال هدف قرار دادن آذربایجان و فراتر از آن صادرکنندگان بالقوه‌ی آسیای مرکزی به اروپا است. کریدور گاز جنوبی فعلاً منحصرأ شامل برنامه‌ی آذربایجان - ترکیه برای آوردن گاز از طریق خط لوله‌ی ترانس‌آناتولی به مرز ترکیه - یونان و سپس به بالکان از طریق خط لوله‌ی ترانس‌آدریاتیک و رابط‌ها یا اینترکانکتورهای منطقه‌ای است.

اگر ترکیه بیش از حد وابسته به روسیه شود، مسکو از آن برای اعمال فشار شدید بر ترکیه برای تنزل خط لوله‌ی ترانس‌آناتولی - خط لوله‌ی ترانس‌آدریاتیک و توقف کریدور گاز جنوبی برای ادغام تولیدکنندگان گاز آسیای مرکزی با بازارهای اروپایی بهره‌برداری خواهد کرد. عدم تحقق قابلیت کریدور گاز جنوبی، آذربایجان را حاشیه‌ای کرده، دسترسی آن به بازارهای کلیدی و توانایی حرکت به سمت اروپا را محدود می‌کند، جریان‌های نقدی آینده و حاکمیت و نفوذ آن را تقلیل می‌دهد. از آنجا که آذربایجان در چهار سال گذشته قویاً به سمت تبدیل شدن به بازیگری حقیقی در بازارهای انرژی بالکان و ایجاد پیوندهای تجاری قوی با بازارهای انرژی اروپا حرکت کرده است، حرکات حساب‌شده‌ی اخیر روسیه به وضوح منافع حیاتی آذربایجان از جمله کریدور گاز جنوبی را تهدید می‌کند. صاحب‌نظران روسی با تصدیق شدت این تهدید جدید برای آذربایجان، ترکیه و مشتریان و شرکای اروپایی آنها، به نشانه‌ی تأیید اظهارنظر کرده‌اند که این تصمیم به زبان اولتیماتوم با اروپا (دیگران) صحبت می‌کند. بدین ترتیب، کابوس فعلی اوکراین به هیچ وجه جنبه‌ی تصادفی یا ناخواسته‌ی سیاست روسیه نیست. اوکراین نشان می‌دهد که تبعیت از مسکو از لحاظ انرژی در نهایت نمی‌تواند امنیت بیاورد یا تضمین عدم تهدیدهای دیگر روسیه باشد، بلکه کاملاً بر عکس.

نورد استریم دو

روسیه هنوز هم از این بازی‌ها می‌کند و جدیدترین آن پروژه‌ی نورد استریم دو است. در اینجا، هدف، حبس کردن آلمان و سایر کشورها در رابطه‌ی بلندمدت حوزه‌ی انرژی با روسیه به ضرر اوکراین و هر کشور دیگر اروپای شرقی است. در مورد آلمان، شعار تغییر با تقریب یا شعار جدید مشارکت برای نوسازی، حتی قبل از ۱۹۸۹ منجر به تبدیل شدن آلمان به هسته‌ی اصلی جمهوری دموکراتیک آلمان و بانکدار خارجی اصلی آن (موضعی از لحاظ اخلاقی و استراتژیک متزلزل) شد.⁸² حرف‌زدی‌نفعان حکومت و اقتصاد آلمان که معاملات تجاری خود با روسیه را معاملاتی صرفاً تجاری تصویر کردند که در نهایت "غربی‌شدن" یا نوسازی روسیه را به بار خواهد آورد، کاملاً غلط از آب درآمد. حمایت بخش‌های عظیمی از جامعه‌ی اقتصادی آلمان از باز نگه داشتن مسیرهای تجاری و، بر این اساس، سیاسی به روی سن پترزبورگ با هر هزینه‌ای با این باور اشتباه که این منجر به تغییر در روسیه خواهد شد کاملاً شناخته‌شده و متواتر است.⁸³ انگیزه‌های تجاری محض‌تر که نقشی بزرگ اگر نه اساسی در سیاست خارجی آلمان ایفا می‌کنند در اینجا نیز تأثیرگذارند. این انگیزه‌های تجاری صرفاً جذبه و کشش بازار روسیه نیستند (که در هر حال به دلیل تحریم‌ها و افت قیمت نفت در حال نابودی است) بلکه وجه شوم‌تری نیز دارد چرا که یکی از مشهودترین نتایج پیوندهای تجاری آلمان با روسیه قوران رسوایی فسادها است که شامل مؤسسات بزرگ آلمانی مثل دویچه‌بانک می‌شود.⁸⁴ برجسته‌ترین مثال این فساد سیاست آلمان که تنها به روسیه سود می‌رساند و به صورت یکجانبه اتحادیه‌ی اروپا را تضعیف می‌کند، تلاش برای ساختن شاخه‌ی دوم خط لوله‌ی گاز نورد استریم از روسیه به آلمان است. آنگونه که فعلاً به نظر می‌رسد، نورد استریم دو اکثر شروط سیاست‌های کمیسیون اروپا با هدف کاهش وابستگی به گاز روسیه را نقض می‌کند؛ وابستگی که نه تنها از لحاظ تجاری سودی برای اروپا ندارد بلکه از لحاظ استراتژیک هم مضر است چرا که آن درآمدهایی که به روسیه می‌روند برای گسترش نفوذ سیاسی روسیه و به فساد کشاندن نهادهای اقتصادی و سیاسی اروپا نیز به کار می‌روند. فراتر از این

81. Stephen Blank, "Azerbaijan's security and U.S. interests: Time for a reassessment", Institute for Security and Development Policy, Stockholm, 2013.

82. Timothy Gatten Ash, In Europe's name: Germany and the divided continent (New York: Random House, 1993).

83. Stephen Szabo, Germany, Russia and the rise of geo-economics (London: Bloomsbury Academic Publishers, 2015).

84. Ibid, pp. 61-81; Walter Russell Mead, "The moral crisis behind the deutsche Bank scandal", <http://www.the-american-interest.com/2015/12/22/the-moral-crisis-behind-deutsche-banks-russia-scandal/>, December 22, 2015.

واقعیات، آنها اهرم روسیه بر شرکت‌های اروپایی را باعث می‌شوند که به نفوذ سیاسی بر حکومت‌ها، احزاب و نهادهای اروپایی تبدیل می‌شود. سوم اینکه، نورد استریم دو اوکراین را از ۲-۳ میلیارد دلار وجوه ترانزیتی به خاطر خط لوله‌ای محروم می‌کند که از لحاظ تجاری موجه نیست چرا که توانمندی‌های ذخیره‌ی اروپا تنها ۲۵-۳۰ درصد پر هستند. به علاوه، نورد استریم دو آلمان را قادر به دور زدن اتحادیه‌ی اروپا و از طریق مجموعه‌ای از رابطه‌ها یا اینترکانکتورها، برقراری مجدد وابستگی کشورهای بالکان و اروپای شرقی به گاز روسیه می‌کند که از طریق آلمان وارد می‌شود نه لهستان و اوکراین.⁸⁵

این پروژه نه تنها با سیاست‌های اتحادیه‌ی اروپا و منافع استراتژیک آلمان و متحدانش در تناقض است، بلکه عمداً قصد دور زدن و بدین ترتیب تضعیف اتحادیه‌ی اروپا را نیز دارد. زیگمار گابریل معاون صدر اعظم از حزب سوسیال‌دمکرات علناً به پوتین گفت که این باید معامله‌ای دوجانبه باشد و فضیلت اصلی آن این است که بروکسل یا کمیسیون اروپا را دور می‌زند. از آنجا که یکی از اهداف اصلی پوتین در هم شکستن وحدت اتحادیه‌ی اروپا و برقراری شراکت پایدار روسیه - آلمان است که الزاماً به ضرر اروپای شرقی و ناتو خواهد بود، اظهارات گابریل برای او گوش‌نواز و مثال‌گویای فساد سیاست آلمان بود.⁸⁶ آنگلا مرکل نخست‌وزیر در عین حمایت از افزایش هزینه‌ی دفاعی برای مواجهه با تهدیدات نظامی روسیه و حمایت قاطعانه از تحریم‌ها به خاطر اوکراین، از نورد استریم دو به عنوان معامله‌ای صرفاً تجاری بدون دلالت سیاسی نیز حمایت می‌کند.⁸⁷

اما از آنجا که این معامله با توجه به قیمت فعلی گاز و قابلیت دسترسی گاز ارزان‌تر از جاهای دیگر و نیز ظرفیت ذخیره‌ی بلااستفاده در اروپا هیچ منطق تجاری ندارد، روشن است که برای بسیاری در آلمان این چندان مسئله‌ی گاز نیست بلکه بیشتر شالوده‌ای برای کندومینیوم وسیع روسیه - آلمان در اروپای شرقی و اوراسیاست که الزاماً متضمن تجزیه‌ی اتحادیه‌ی اروپا، تضعیف کمیسیون اروپا و بدین ترتیب وحدت اروپا است. جای شگفتی نیست که ایتالیا، خشمگین از بیرون ماندن از معامله و استانداردهای دوگانه‌ی آلمان، آشکارا می‌خواهد به آن ملحق شود و پوتین کاملاً خشنود از اینکه بخشی از اقدام را به آن پیشنهاد دهد چرا که کاملاً واقف است که این کار اهرم روسیه بر ایتالیا و اروپا را افزایش خواهد داد و باعث تضعیف انسجام اروپا و کارایی رژیم تحریم‌ها خواهد شد.⁸⁸ بنابراین، تقریباً همه‌ی کشورهای اروپای شرقی (از جمله اوکراین) اعتراض به پروژه‌ی نورد استریم دو را به کمیسیون اروپا برده‌اند. در زمان این نوشته، تصمیم کمیسیون اجرا نشده است، اما اهمیت آن روشن است چرا که پذیرش پروژه، در را به روی کندومینیوم انرژی و، بر این اساس، سیاسی روسیه - آلمان به ضرر اتحادیه‌ی اروپا و قواعد آن در اروپای شرقی باز می‌کند.

85. Gabrielle Steinhauser, "Germany's Merkel defends Russian gas pipeline plan", Wall Street Journal, December 18, 2015.

86. Albrecht Meir, "Ausbau der ostsee-pipeline, ZweigegenBruessel", Der Tagesspiegel <http://www.tagesspiegel.de/politik/ausbau-der-ostsee-pipeline-zwei-gegen-bruessel/12596578.html>, november 16, 2015; "Putin - The interview: for me, it is not borders that matter", <http://www.bild.de/politik/ausland/wladimir-putin/russian-president-vladimir-putin-the-interview-44092656.bild.html>, January 11, 2016.

87. Steinhauser, "Germany's Merkel defends Russian gas pipeline plan."

88. Gerardo Pelosi, "Putin makes overture to Italy over north stream II", Sole 24 Ore, January 10, 2016, Retrieved from BBC Monitoring.

نتیجه گیری

علیرغم بحران بزرگی که تا حد قابل توجهی ناشی از افت قیمت نفت است، کار حساب شده‌ی نورد استریم و نیز جنگ جاری انرژی با اوکراین نشان می‌دهد که مسکو استفاده از سلاح انرژی را پایان نخواهد داد و در واقع نمی‌تواند پایان دهد. در واقع، به علت افت قیمت انرژی، مسکو بیش از گذشته نفت و گاز صادر می‌کند. عرضه‌ی گاز روسیه به آلمان تا ۱۷/۱ درصد، به ایتالیا تا ۱۲/۶، به فرانسه تا ۳۶/۸ درصد، به بریتانیای کبیر تا ۱۰/۲ و به اتریش تا ۱۱/۵ درصد افزایش یافت.

آلمان، خریدار اصلی گاز روسیه، سال گذشته ۴۵/۳ متر مکعب از گاز روسیه را خرید که یک رکورد است.⁸⁹ اگر نورد استریم محقق شود و قیمت‌ها بالا رود، این نتایج می‌تواند در عین افزایش وابستگی اروپای شرقی به گاز روسیه و عواقب آن منجر به کندومینیوم روسیه - آلمان با آثار فسادآور بر همبستگی اروپا و بویژه آلمان شود. بنابراین، مواجهه با این وابستگی با تقویت اتکای اروپا بر سایر عرضه‌کنندگان مثل ایالات متحده که اکنون به یمن قوانین جدید می‌تواند نفت و گاز به اروپا صادر کند ضروری است. این مستلزم ساختن زیرساخت‌های لازم در ایالات متحده و اروپا یا رابط‌ها یا اینترکانکتورها در اروپای شرقی و مرکزی نیز هست که اکنون در حال انجام است. با ساختن پایانه‌های گاز طبیعی مایع لهستان و لیتوانی و حضور شبکه‌ی رابط‌ها یا اینترکانکتورها، گاز می‌تواند از آذربایجان و ایالات متحده صرف نظر از خاورمیانه و حتی نروژ به اروپا برود و در این قاره توزیع شود. سایر حرکت‌های کلیدی عبارتند از: تضمین کریدور جنوبی از طریق آذربایجان و در نهایت آسیای مرکزی (که گاز را به ترکیه و سپس به بالکان و فراتر از آن می‌رساند)، اجرای سومین بسته‌ی انرژی کمیسیون اروپا که جلوی انحصار روسیه را می‌گیرد، و تقویت جریان‌های معطوف به سیاست گازی اروپایی فراگیر. هیچیک از اینها صادرات انرژی روسیه به اروپا را پایان نخواهد داد؛ امری که در هر صورت غیرممکن و غیر قابل تصور است. اما این اقدامات به علاوه‌ی بازگشت تولید جدید به بازار در زمان احیای قیمت‌ها امکان جهانی‌شدن بازار گاز را فراهم می‌کنند؛ طوری که بیشتر شبیه به بازار نفت شود که در آن نفت به عنوان یک کالا به تعبیر تجاری محض داد و ستد می‌شود، در حالی که گاز با توجه به ضرورت خطوط لوله و سایر زیرساخت‌ها ذاتاً محصولی سیاسی است.

تنها با حرکت به سمت این نوع اصلاحات می‌توان سیاسی‌شدن صادرات نفت و گاز، فساد سیاست‌های اروپا توسط روسیه، و استفاده‌ی بی‌ثبات-کننده‌ی انرژی به عنوان سلاحی سیاسی برای تحکیم رژیم پوتین در داخل و امپراطوری در خارج را کاهش داد. این حرکات یک‌شبه رخ نمی‌دهند اما باید رو به جلو حرکت کرد زیرا اگر این کار نشود چشم‌اندازهای جنگ در اروپا که دیگر غیر قابل تصور نیستند باقی خواهند ماند و چه بسا احتمالشان افزایش هم پیدا کند. همانگونه که نخبگان روس به کرات و رسماً گفته‌اند علت این مبارزه می‌تواند نقداً کنترل منابع انرژی روسیه بشود. آن وقت دیگر نه تنها سلاح انرژی بلکه هر سلاح دیگری ممکن است به کار برده شود.

89. 'UPDATE 1-Gazprom says Russian gas exports to Europe up 8 Pct in 2015' *Reuters*, January 11, 2016.

منابع

- Ash, Timothy Garten. In Europe's name: Germany and the divided continent. New York: random house, 1993.
- Baker, Peter and Susan Glasser. Kremlin rising: Vladimir Putin's Russia and the end of revolution. New York: Scribner's, 2005.
- Balzer, Harley. "Confronting the global economy after communism: Russia and China compared." Paper Presented to the Annual Convention of the International Studies Association, Honolulu, Hawaii. March 1-5, 2005.
- Baublys, Viktors. "Bank may lose Lieutvos Rytas." Vilnius, Vilnaius Diena, in Lithuanian, August 8, 2009, FBIS SOV, August 8, 2009.
- Bindi, Federiga and Irina Angelescu. "Introduction: Defining the frontiers of Europe from a Transatlantic perspective." in Federiga Bindi and Irina Angelescu, eds., The Frontiers of Europe: a Transatlantic Problem? Washington, D.C. Brookings Institution Press, 2011.
- Bilalli, Mersel. "Utter isolation", Skopje, Dnevnik, in Macedonian." October 16-17, 2010, Open Source Center. Foreign Broadcast Information Service, Central Eurasia, (Henceforth FBIS SOV), October 17, 2010.
- Blank, Stephen. "Azerbaijan's security and U.S. interests: Time for a reassessment." Institute for Security and Development Policy. 2013.
- Blank, Stephen. "The flight of the Red Phoenix: The historical bases of Russian non-linear warfare." Paper presented to the Conference on Hybrid Warfare, Ft. Meade, Md. December 7, 2015.
- Bugajski, Janusz. "Cold Peace: Russia's New Imperialism." Center for Strategic and International Studies. 2004.
- Bugajski, Janusz. "Dismantling the West: Russia's Atlantic Agenda." Dulles Va. (Potomac Press). 2009.
- Chivvis, Christopher s. and Rid, Thomas. "The roots of Germany's Russia Policy." Survival Li, 2, April-May, 2009, pp. 105-122.
- Cohen, Ariel. "Eastern Europe's pivotal moment: Association Agreement and Deep and Comprehensive Free Trade Agreement (DCFTA) for the European Union and the Eastern Partnership." Testimony before the Europe and Eurasia Subcommittee, Committee on Foreign Relations, United States Senate. November 14, 2013: 2-5.
- Fatic, Alexander. "A strategy based on doubt: Russia courts Southeast Europe." Contemporary Security Policy 31, No. 3, September, 2012, pp. 448.
- Gray, C. Boyden. "Europe should tackle Gazprom monopoly." European Affairs 10, 1-2 (Winter/Spring 2009): 45.
- Hedlund, Stefan. Russian path dependence. London: Routledge, 2005.
- Hellie, Richard. "The structure of Russian imperial history." History and Theory, 44 (2005): 88-112.
- Huskey, Eugene. "The state-legal administration and the politics of redundancy." Post-Soviet Studies, 11:2, 1995: 115-43.
- Kotkin, Stephen. "it's Gogol again." Paper Presented as part of the project The energy dimension in Russian global strategy. 2004.
- Krickus Richard J.. "The presidential crisis in Lithuania: its roots and the Russian factor." Occasional Papers of the East European Studies Institute, no. 73, Wilson Center, Washington, D.C., 2004.
- Krickus, Richard. "Iron Troikas." Carlisle Barracks (Strategic Studies Institute of the US Army War College). 2006;
- Valery, Ratchev. "Bulgaria and the future of European security." paper presented to the SSI-ROA Conference, 'Eurasian Security in the Era of NATO Enlargement.' August 1997: 4-5.

Larsson, Robert L. "Nord Stream, Sweden and Baltic Sea security." FOI (Swedish Defense Research Agency). March 2007.

Larsson, Robert L. "Russia's energy policy: Security dimensions and Russia's reliability as an energy supplier." FOI (Swedish Defense Research Agency). March 2006.

Leonard, Mark. "Connectivity wars." European Council on Foreign Relation. December, 2015.

Lucas, Edward. The New Cold War: Putin's Russia and the Threat to the West. London: Palgrave Macmillan, 2008.

Nygren, Bertil. The Rebuilding of greater Russia: Putin's foreign policy towards the CIS countries. London: Routledge, 2008.

Nygren, Bertil. "Putin's use of natural gas to reintegrate the CIS region." Problems of Post-Communism LV, 4, July-August, 2008: 4-17.

Orban, Anita. Power, Energy, and the New Russian Imperialism. Praeger(2008).

Pain, Emil. "The political regime in Russia in the 2000s: Special features, inherited and acquired." Russian Social Sciences Review LII, 6(November-December 2011): 64-65.

Pain, Emil. "Will Russia transform into a nationalist empire." Russia in Global Affairs 3, 2, (April-June 2005): 71-80.

Pipes, Richard. Russia under the old regime. New York: Scribner's 1975.

Poe, Marshall, T. The Russian moment in world history. Princeton, NJ: Princeton University Press, 2003.

Rosefielde, Steven. Russia in the 21st century: the prodigal superpower. Cambridge: Cambridge University Press, 2004.

Ruehle, Michael and Grubliauskas, Julijus. "Energy as a tool of hybrid warfare." in Guillaume Lasconjarias and Jeffrey A. Larsen, eds., NATO's response to hybrid threats, Foreword, General Philip M. Breedlove, Supreme Allied Commander, Europe Brussels: NATO Defense College, Forum Paper 24. 2015: 189-200.

Shlapentokh, Vladimir. Contemporary Russia as a feudal society: A new perspective on the Post-Soviet era. New York: Palgrave Macmillan, 2007.

Shlapentokh, Vladimir. "Early feudalism-The best parallel for contemporary Russia." Euro-Asia Studies XLVIII, 2, 1996: 391-411.

Stavrakis, Peter. "The Russian state in the twenty-first century." Paper Presented to the VIII Annual Strategy Conference of the U.S. Army War College, Carlisle Barracks, Pa. April 22-24, 1997.

Szabo, Stephen. Germany, Russia and the rise of geo-economics. London: Bloomsbury Academic Publishers, 2015.

Zarate, Juan, C. Treasury's war: The unleashing of a new era of financial warfare. New York: Public Affairs, 2013.